

*Bi-Quarterly specialized-
scholarly journal Of Quranic
Studies Light of Revelation Vol.8,
No. 15,
Spring & Summer 2023
P 65 - 104*

دو فصل نامه علمی-تخصصی
مطالعات قرآن پژوهی نور وحی
س ۸ ش ۱۵ بهار و تابستان ۱۴۰۲
صفحات ۶۵ - ۱۰۴

تحلیل راهبردهای مزیتی بیانیه گام دوم از منظر قرآن

محمد امیری * علی آقا صفری *

چکیده

بیانیه‌ی گام دوم انقلاب به‌عنوان یک سند راهبردی هم به دستاوردها و افتخاراتی که بر اثر تلاش و سخت‌کوشی‌ها در چلّه‌ی اول انقلاب اسلامی به‌دست آمده، اشاره دارد و هم به ظرفیت‌های موجود؛ خوش‌بینی‌ها و امیدهای روح‌افزا نسبت به آینده‌ی درخشان و درک درست قوت‌ها، آسیب‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای استراتژی ساز. با توجه به این‌که راهبردهای مزیتی در بیانیه‌ی گام دوم مورد تأکید ویژه قرار گرفته و نقش حیاتی در پیشبرد برنامه‌ها و تحقق اهداف انقلاب اسلامی دارند؛ مستندسازی قرآنی آن، آثار و برکات خاصی را در پی دارد. ضرورت مسئله نگارندگان را بر آن داشت با استفاده از روش ترکیبی و با بهره‌گیری از ادبیات مدیریت استراتژیک و مطالعه‌ی آموزه‌های وحیانی راهبردهای مزیتی بیانیه را باهدف اکتشافی و برآیند بنیادی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند. یافته‌ها و ره‌آورد‌های پژوهش نشان می‌دهد که گزاره‌های وحیانی نیز در حوزه‌ی استراتژی‌های مزیتی، مهم‌ترین‌ها را که همانان تبیین بنیان‌ها و صدور ارزش‌ها، تقویت روحیه‌ی استقامت و استکبارستیزی، درک و تحلیل درست ظرفیت‌های

*. دکتری قرآن و مدیریت، جامعه المصطفی (ص) العالمیه (نویسنده مسئول):

m.amiri4811@gmail.com

*. استاریار جامعه المصطفی العالمیه: a.a.safari1364@gmail.com

مردم‌سالاری دینی، طراحی سبک زندگی اسلامی، حاکم سازی خط‌مشی‌های درون‌گرا و طرد سیاست‌های برون‌گراست؛ مورد تأیید و تأکید قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: تحلیل قرآنی، اندیشه امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، راهبردهای مرتضی.

مقدمه:

برای رسیدن به عزت و آزادی و نهادینه‌سازی ارزش‌های دینی، وظیفه‌ی مسلمانان در سرزمین‌های اسلامی؛ سرنگونی نظام‌های ستمگر با پیروی از رهبر و پیشوای دینی است. اگر ملت مسلمانی تبعیت از رهبر راهروی انبیا و پیشوایان آسمانی نکند، هیچ‌گاه طعم شیرین عزت و آزادی را نمی‌چشد ولی این کاستی ملت از رهبر و پیشوا سلب مسئولیت نمی‌کند. از باب نمونه وقتی امام حسین⁷ پرچم قیام را برای نجات مردم از زیر یوغ نظام موروثی اموی و نابودی رژیم سفاک یزیدی، برافراشت؛ یاران معدود با روح بزرگی داشت. آنان با پیروی از ولی خدا تا جان در تن داشتند رزمی‌دند و به مقام والای شهادت و زندگی جاوید رسیدند؛ ولی مردمی که از پیشوای حق پیروی نکردند هیچ‌گاه طعم شیرین حکومت بر خواسته از نظام نبوی و علوی را نچشیدند. همه‌ی ائمه‌ی هدی (علیهم السلام) بر اساس شرایط و اقتضائات و مصالح کلی اسلام، طرح و برنامه، اقدام و عمل در راستای عزت و آزادی امت، اعتلای حق و افشای باطل داشتند.

در عصر غیبت امام عصر (عج) فقها وظیفه‌ی نائبی آن حضرت را به عهده دارند. امام خمینی (ره) که یک فقیه جامع شرایط و آگاه به زمانه بود، با تاسی به ذوات قدسیه ائمه در چارچوب تئوری ولایت فقیه ملت غیور ایران را علیه نظام ستم‌شاهی برانگیخت و سرانجام انقلاب اسلامی پُرشکوه با رهبری او پس از مبارزه‌های طولانی با نظام موروثی

شاهنشاهی که مخالف با ارزش‌های دینی بود؛ در بهمن‌ماه سال ۱۳۵۷ هجری خورشیدی به پیروزی رسید. این پیروزی محصول مدیریت خردمندانه امام^(ره) و مشارکت طبقات مختلف مردم اعم از بازاریان، احزاب سیاسی، روشنفکران، دانشجویان، روحانیون و شخصیت‌های برجسته و متفکر و نیز تسلیم شدن ارتش بود (شهبازی، ۱۳۴۹) در پی این تحولات بنیادی ساختار نظام اسلامی مبتنی بر تئوری ولایت فقیه جایگزین نظام ستم‌شاهی گردید.

از آنجاکه انقلاب اسلامی، یک حرکت بدیع در جهت احیای ارزش‌های دینی در مقیاس ملی و جهانی؛ با ماهیت غیر از ماهیت انقلاب‌های دموکراتیک و پارلمانتاریستی و سوسیالیستی است (میرباقری، ۱۳۹۸: ۱۱)، نظام بر خواسته از آن؛ بر اساس فرهنگ اسلامی، تلاش‌های خدایسندانه و شعارها و مطالبات الهی سامان یافته است.

بر همین مبنا نیروها را بسیج و سازمان‌دهی کرده و می‌کند و حاوی پیام‌های فراوان، فرازمانی و فرامکانی چون عدالت‌خواهی، آزادی‌خواهی، معنویت‌خواهی، پیشرفت‌خواهی، ستم‌ستیزی و مانند آن است (نادری و پیرانی، ۱۳۹۹، پیاپی ۳۱/۳۰۶). بی‌گمان هیچ‌گاه غبار فراموشی بر چهره‌ی نظامی که منشأ آن مردمی‌ترین انقلاب بوده و دارای اهداف متعالی انسانی و اسلامی است؛ نخواهد نشست. شاهد این مدعا جوشش شکوهمند هر ساله‌ی آن، بیش‌ازپیش است. این بالندگی و سرزندگی را مدام به نمایش گذاشته و بانفوذ بر قلب‌ها و بهره‌گیری از ظرفیت‌های داخلی، شناسایی فرصت‌ها و آسیب‌های بیرونی؛ افتخارات بزرگ آفریده و پیوسته با تعمیق بخشی تئوری نظام بر خواسته از آموزه‌های دینی جهانیان شاهد گسترش قلمرو قدرت آن بوده و به نظر می‌رسد نویدبخش یک تمدن نوین اسلامی است.

برای درک درست مطالب بیان شده، بایست مباحث مطرح در بیانییه گام دوم انقلاب که تعیین کننده سیاست گذاری های کلان نظام است به بررسی گرفته شود. بی گمان روح حاکم بر بیانییه که حاصل عمری تجربه‌ی مدیریتی و رهبری با بصیرت است؛ منطبق قرآن است و صدها آیه و روایت معتبر برای مستندسازی مجموعه گزاره‌های آن، می توان یافت. نفس بیانییه تأثیرات خاص خودش را دارد ولی به نظر می رسد مستندسازی قرآنی مطالب آن، بر قلب‌ها، تقویت روحیه‌ی استکبارستیزی، دوری گزینی از معیارها و راهبردهای اندیشه‌ی مادی برای تغییر معادلات در مقیاس جهانی بیشتر می کند.

با عنایت به این مهم ضروری است که راهبردهای مزیتی و رقابتی مطرح در بیانییه گام دوم از منظر گزاره‌های و حیانی قرآن کریم مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند. بنابراین پرسش اساسی پژوهش حاضر این است که: مستندات قرآنی راهبردهای پیشتازی و رقابتی مطرح در بیانییه گام دوم انقلاب چیست؟ لازمه‌ی پاسخ به این پرسش و پرسش‌های متفرع از آن این است که به صورت روشمند قوت‌ها و ضعف‌های داخلی و نیز فرصت‌ها و تهدیدهای خارجی مطرح در بیانییه به شکل علمی به بررسی گرفته شود.

۶۸ مبانی نظری

در این قسمت از پژوهش، برای رفع ابهام و درک درست چیهستی، چرای و چگونگی متغیرهای اساسی؛ واژه‌های کلیدی تعریف و ادبیات دانشی در حد نیاز مرور خواهد شد.

۱. بیانیه گام دوم

انقلاب در لغت، به معانی دگرگونی و واژگون کردن و حالی به حالی شدن، چرخش دورانی و مانند آن، آمده است (عیوضی و هراتی، ۱۳۹۴: ۲۸). انقلاب در اصطلاح، به تغییری گفته می‌شود که در نظم سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مستقر، تحت تأثیر نیروهای متشکل با هدف ایجاد یک نظام جدید با ایدئولوژی خاص به وقوع می‌پیوندد (مصباح یزدی، ۱۳۹۲: ۱۱). انقلاب اسلامی ایران، به رهبری امام خمینی (ره) در چهارچوب تئوری سیاسی اسلام مبتنی بر اصل مرفقی ولایت فقیه از اوایل دهه‌ی ۱۳۲۰ با نگارش کتاب «کشف‌الاسرار» در پاسخ به نقدهای مطرح‌شده در کتاب «اسرار هزارساله» اثر علی‌اکبر حکمی زاده، آغاز شد ولی اوج‌گیری آن، پس از درگذشت آیت‌الله بروجردی (۱۳۴۰) و به‌ویژه از زمانی است که طرح انقلاب سفید در دی‌ماه ۱۳۴۱ از سوی نظام ستم‌شاهی ارائه شد.

امام خمینی^(ره) علیه آن طرح موضع سریع گرفت و پس از سخنرانی امام^(ره)، نیروهای نظام طاغوت در فروردین ۱۳۴۲ به مدرسه‌ی فیضیه یورش بردند، مدتی بعد امام^(ره) را دستگیر و پس از آن؛ قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ واقع شد. فضای فکری که امام^(ره) به وجود آورده بود رژیم را ترساند و چاره را در تبعید او دید! در نتیجه امام^(ره) را به ترکیه، عراق و «نوفل‌لوشاتو» تبعید کردند. تبعیدها سودی به حال رژیم طاغوت نداشت؛ زیرا امام^(ره) هرگز از پای ننشست، همواره از بیرون مرزها ملت مبارز و انقلابی را با ارسال نامه‌ها و اعلامیه‌ها طرح و برنامه می‌داد؛ تا این‌که در سال ۱۳۵۷ به ایران بازگشت و انقلاب اسلامی که مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است؛ به پیروزی نهایی، تدوین قانون اساسی و نظام‌سازی رسید. بر اساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، از وظایف رهبری تعیین سیاست‌گذاری‌های کلی نظام است و مبتنی بر

همین اصل، در آغاز چله‌ی دوم انقلاب پُرشکوه، رهبر فرزانه انقلاب حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) بیابیه‌ای دادند که بیانگر نقشه‌ی راه و تعیین‌کننده‌ی راهبردهای کلان برای برنامه‌ریزی، امید و نشاطبخشی، خوش‌بینی، ایمان به خدا و باور به توانایی‌های ملت، نگاهی به تاریخ گذشته و امکانات حال و دورنمای آینده است.

۲. راهبردها

این‌که راهبرد چیست؟ برای یافتن پاسخ آن، در سال ۱۹۹۶ بورتور و گروه «هاروارد» بررسی‌هایی را انجام دادند (روقاس، ۲۰۰۷: ۶) یافته‌های آنان و مطالعات انجام گرفته نشان می‌دهد که پاسخ به این پرسش بسیار متنوع و پردامنه است و در اینجا از دو منظر بدان اشاره می‌شود. از نگاه نظامی، راهبرد به معنای «هنر برنامه‌ریزی و هدایت عملیات» معرفی شده است. بر اساس دیدگاه هنری میتزبرگ که یکی از اندیشمندان شهیر دانش مدیریت است برای «راهبرد» پنج معنا مدنظر است: راهبرد به‌عنوان طرح؛ راهبرد به‌عنوان تمهید؛ راهبرد به‌عنوان الگو؛ راهبرد به‌عنوان وضعیت؛ راهبرد به‌عنوان دیدگاه^۱ (غفاریان و عماد زاده، ۱۳۸۵: ۴۱). بنابراین برای راهبرد معانی زیادی مطرح است ولی در کل مرتبط با طرح، وضعیت، برنامه‌ریزی و دیدگاه، اصول، روش‌ها و موازینی هستند که سازمان و نظام با توجه به مؤلفه‌های داخلی و خارجی در پیش می‌گیرد تا بر اساس موقعیت منحصر به فرد در بازار با مزیت رقابتی به اهداف استراتژیک خود دست‌یابد (امیری، ۱۳۹۶: ۶۴). استراتژی‌ها از جهت، کلان، اساسی،

-
1. Plan.
 2. Ploy.
 3. Patern.
 4. Position.
 5. Perspective.

خاص و وظیفه‌ای قابل دسته‌بندی بوده و راهبردهای مربوط به (SO) و (WO) و (ST) و (WT) از چگونگی ترکیب قوت‌ها و ضعف‌ها با فرصت‌ها و تهدیدها حاصل می‌شوند.

۲-۱. فرصت‌ها

فرصت، یک موقعیت مطلوب عمده در محیط سازمان است (پیرس و رایبسون ۱۳۸۹: ۳۰۷). بنابراین فرصت‌ها، شرایط و موقعیت‌های مناسب برای اقدام و انجام کار جهت رسیدن به اهداف هستند، به‌عنوان مثال شناسایی بخش‌های ناشناخته یا تغییر در شرایط رقابت یا مقررات، تغییرات فناوری و بهبود روابط و... نشان‌دهنده‌ی روندهای کلیدی در محیط یا منبع فرصت‌های احتمالی برای نظام و سازمان است.

۲-۲. تهدیدها

تهدید، یک موقعیت نامطلوب عمده در محیط سازمان است (پیرس و رایبسون، ۱۳۸۹: ۳۰۷) بنابراین تهدیدها، شرایط و وضعیت‌های نابسامان؛ اما مهم در محیط‌اند که موانع اساسی برای وضعیت جاری یا آینده موردنظر ایجاد می‌کنند. به‌عنوان مثال ورود رقبای جدید، افزایش قدرت چانه‌زنی رقبای، تغییرات مهم فناورانه و مقررات می‌توانند نشان‌دهنده‌ی تهدیدهای مهمی برای موفقیت آینده‌ی نظام و سازمان باشند (امیری، ۱۳۹۶: ۶۱-۶۳).

۲-۳. قوت‌ها

قوت، منبع، مهارت یا مزیت و شایستگی متمایز نظام و سازمان نسبت به رقبای و نیازهای بازارهایی مربوط به فعالیت است. بنابراین قوت‌ها، بیانگر وجود یک منبع، مهارت و یا مزیت نسبت به رقبای و یا پیش‌بینی رخدادهاست. قوت‌ها نشان‌دهنده‌ی این

هستند که نظام و سازمان در مقایسه با رقبا یا نیازها در بازار از یک مزیت یا صلاحیت ممتاز و برتری برخوردار است (جان ای و ریچارد بی، ۱۳۸۳: ۱۵۷).

۲-۴. ضعف‌ها

ضعف، یک محدودیت یا کمبود در منابع، مهارت‌ها و توانایی‌های است که مانع اساسی عملکرد اثربخش است (پیرس و رایبسون، ۱۳۸۹: ۳۰۸). بنابراین ضعف‌ها یا محدودیت‌ها، نشان‌دهنده‌ی عدم کارایی در استفاده از منابع، مهارت‌ها و توانایی‌های است که موانعی جدی برای عملکرد موفقیت‌آمیز یک نظام و سازمان در بازار رقابت ایجاد می‌کنند. ضعف‌های یک نظام و سازمان در فقدان تسهیلات، منابع مالی، توانایی‌های مدیریت و مهارت‌ها بروز و ظهور می‌یابند (امیری، ۱۳۹۶: ۶۲).

۲-۵. راهبرد مزیتی

منظور از راهبرد مزیتی (SO) این است که نظام و سازمان در بهترین وضعیت قرار دارد و می‌تواند با استفاده از توانایی‌ها یا نقاط قوت داخلی اقدامات اساسی مانند: بهره‌برداری از فرصت‌های خارجی، برطرف کردن نقاط ضعف داخلی و پرهیز از تهدیدات خارجی را به عمل آورد. (پیرس و رایبسون ۱۳۸۹: ۳۱۰؛ دیوید، ۱۳۹۰: ۳۷۰؛ حسن بیگی، ۱۳۹۰: ۳۳۰).

پیشینه پژوهش

از آنجاکه ارزش علمی پژوهش مرتبط با آگاهی از تحقیقات پیشین و بیان درجه‌ی اهمیت و تمایز آن است. در جدول (۱) عصاره‌ی از پژوهش‌های درخوری که در مدت انتشار بیانیه گام دوم تاکنون منتشر شده و پژوهشگران بدان‌ها دست‌یافته‌اند، ارائه می‌گردد.

جدول شماره ۱: پژوهش‌های پیشین.

ردیف	اسم اثر	مؤلف	محتوا	زمان و مکان
۱	انقلاب در گام دوم	اخوان، محمد جواد	پژوهشگر در این اثر مباحث چون چهل سالگی انقلاب، برکات انقلاب، وضعیت انقلاب در چهل سالگی و توصیه‌های موجود در بیانیه را با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی گرفته است.	۱۳۹۸، ماهنامه‌ی برهان اندیشه و گفتمان انقلاب اسلامی، ۴ (۲۱) ۳۸-۳۰.
۲	عصر جدید (خوانشی از مفاهیم و راهبردهای بیانیه‌ی گام دوم)	میرباقری، سید محمد مهدی	نویسنده در ذیل سرفصل‌های میراث گذشته انقلاب، راهبردهای در بیانیه، جایگاه راهبردی بیانیه و الزامات تحقق آن، و مبانی سازمان‌دهی امت وسط مطالب از منظر بیانیه مباحث را با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی گرفته است.	۱۳۹۸، قم، فرهنگستان علوم اسلامی.
۳	نسبت سنجی الگوی پایه‌ی اسلامی ایران پیشرفته در بیانیه	غمامی، سید محمد مهدی	در این اثر تلاش شده با روش توصیفی - تحلیلی حاکمیت بیانیه بر اسناد دیگر از جمله الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت و میزان تأثیرگذاری بیانیه در بازنگری خط‌مشی‌ها و لزوم توجه بر ملاحظات و ملزومات آن در سیاست‌های کلی نظام تبیین گردد.	۱۳۹۷، کیهان فرهنگی، ۳۵ (۳۸۶) ۶۸.

۴	چرا بیانییه گام دوم مهم است؟	فضائلی، مهدی	نویسنده برای پاسخ به پرسش طرح شده، اهمیت مرجع صدور، مقطع صدور، مخاطبان، محتوا و مضامین راهبردی بیانییه را با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی گرفته است.	۱۳۹۷، نامه‌ی شورا، ۹ (۱۲۷) ۳۷.
۵	راهبردهای پیشرو در پساچهل سالگی انقلاب (تبیین بیانییه گام دوم انقلاب)	نادری، مهدی و شهره پیرانی	پژوهشگران با روش تحلیل محتوی کیفی و کاربست تکنیک سیستمی سوات (SWOT) چهار نوع راهبرد حاصل از ترکیب قوت‌ها و ضعف‌های داخلی، فرصت‌ها و تهدیدهای خارجی را در بیانییه گام دوم به تحلیل و تبیین گرفته‌اند.	۱۳۹۹، دوفصلنامه علمی دانش سیاسی، ش ۱، پیاپی ۳۱، ص ۳۲۸-۳۰۵.
۶	استقلال و عزت ملی: پایه‌ی سیاست خارجی ایران (تحلیلی بر بیانییه گام دوم انقلاب)	نوری اصل، احد	در این اثر تلاش یادشده با روش توصیفی - تحلیلی سیاست خارجی ایران براساس بیانییه گام دوم انقلاب از دو جهت تحلیل و تبیین شود. پژوهشگر از سوی عملکرد چهل ساله پس از انقلاب و از سوی دیگر لزوم آینده‌نگری و توجه به قوت‌ها، استقلال و عزت ملی را مبتنی بر بیانییه به بررسی گرفته است.	۱۳۹۸، ماهنامه صف، ۳۹ (۴۵۸) ۱۳-۱۲.
۷	مبانی قرآنی بیانییه گام دوم انقلاب اسلامی	قرائتی، محسن	در این اثر، مستندات قرآنی بعضی از جملات بیانییه گام دوم در قالب ۳۲ عنوان، از جمله: توجه به تاریخ گذشته، نوآوری‌ها، استقلال، آزادی، تقابل	۱۳۹۸، تهران، ستاد اقامه نماز، مرکز فرهنگی

درس‌هایی از قرآن.	اسلام و استکبار، نعمت‌های خاص، عزت، عدالت، نقش جوانان، دستاوردهای نظام اسلامی، توجه به تفاوت‌ها و ظرفیت‌ها، رعایت اولویت‌ها، اقتصاد هدفمند، هویت، معنویت، پاک دستی و... بیان شده است		
-------------------	--	--	--

پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که تاکنون تفسیر و تحلیل‌های متعددی از جایگاه، الزامات، نوآوری‌ها، مقیاس‌ها، مقایسه‌ها، راهبردها و تبیین بایسته‌ی بیانیه گام دوم انقلاب صورت گرفته و به نظر می‌رسد هرکدام در فهم دالّ و هسته‌ی مرکزی و اهداف بیانیه از روزه‌ای دارای اهمیت است. با دقت علمی می‌توان گفت این پژوهش‌ها دودسته‌اند: یک دسته آثار، بیانیه‌ی گام دوم را به صورت عام به تحلیل و تبیین گرفتند و دسته‌ی دیگر، مسئله یا مسائل خاصی را مورد مطالعه و به بررسی قرار داده‌اند. در هر حال آنچه اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر را نشان می‌دهد این است که در این جستار متفاوت با آثار پیشین مسئله‌ی خاصی از بیانیه‌ی گام دوم «راهبردهای مزیتی و رقابتی» از منظر قرآن کریم با رویکرد مدیریتی به بررسی گرفته شده است.

روش تحقیق

از آنجاکه روش‌شناسی حاصل مبانی و منابع است و مفروض بنیادی در پژوهش حاضر این است که بیانیه‌ی گام دوم، بر اساس آموزه‌های اسلامی برای چکّه‌ی دوم انقلاب؛ نقشه‌ی راه آینده را ترسیم و سیاست‌گذاری‌های کلی نظام را تعیین کرده است، روش منتخب ترکیبی است بدین معنا که از حیث داده کیفی؛ از جهت هدف اکتشافی و برحسب برآیند بنیادی است. با عنایت بر مبنای بنیادی و منبع پایه‌ای، مشخص شد که

پژوهش از لحاظ شیوهی گردآوری داده‌ها و تحلیل اطلاعات در زمره‌ی تحقیقات اکتشافی قرار دارد؛ زیرا درصدد کشف راهبردهای مطرح در بیانیه و مستندسازی قرآنی آن‌هاست و برحسب ماهیت مبتنی بر نظریه‌پردازی با روش ترکیبی و کاربست شیوه‌ی استنتاجی است.

تجزیه و تحلیل راهبردهای مزیتی

از آنجاکه راهبردهای مزیتی در بردارنده‌ی استراتژی‌ها تهاجمی (SO) و اهرم‌های نفوذ یعنی بهره‌گیری از قوت‌های داخلی (S) و فرصت‌های خارجی (O) است، مطالعات و داده‌های حاصل شده به این رهنمون‌اند که مهم‌ترین راهبردهای مزیتی مطرح در بیانیه گام دوم استراتژی‌های ذیل می‌باشند:

۱. صدور انقلاب اسلامی

راهبرد صدور انقلاب در دو سطح «خرد و کلان» قابل طرح و بررسی است. آنچه بدان در این پژوهش پرداخته می‌شود رویکرد کلان است. به نظر می‌رسد یکی از راهبردهای مهم مزیتی مطرح در بیانیه و دیگر فرمایشات رهبری، این راهبرد اساسی است. رهبری در این زمینه در بیانیه پس از شمارش بخش‌های از دستاوردها و محصول چهل‌ساله‌ی انقلاب می‌فرمایند: «این‌ها بخشی محدود از سرفصل‌های عمده در سرگذشت چهل‌ساله‌ی انقلاب اسلامی است؛ انقلاب عظیم و پایدار و درخشانی که شما به توفیق الهی باید گام بزرگ دوم را در پیشبرد آن بردارید».

ایشان در بخش‌های پایانی بیانیه (توصیه‌ی ششم) با عنایت به این مهم درباره‌ی عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن می‌فرمایند: «این سه شاخص‌هایی از اصل عزت، حکمت و مصلحت در روابط بین‌المللی‌اند. صحنه‌ی جهانی، امروز شاهد

پدیده‌های است که تحقق یافته و یا در آستانه‌ی ظهورند. تحرک جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه‌ی آمریکا و صهیونیسم؛ شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه‌ی غرب آسیا و زمین‌گر شدن همکاران خائن آن‌ها در منطقه؛ گسترش حضور قدرتمندانه‌ی سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن، در سراسر جهان ...» بخش‌های از مظاهر عزت نظام اسلامی است که سردمداران نظام سلطه را نگران ساخته و بایست توجه به مرزبندی با دولت‌های خدعه‌گر برای حفظ ارزش‌ها و عدم عقب‌نشینی از هراس تهدیدهای پوچ آن‌ها داشت و به شکل حکیمانه و مصلحت‌جویانه از موضع انقلابی، مسائل و مشکلات را حل کرد.

مطالعات سرفصل‌ها و توصیه‌های اساسی مطرح در بیانیه گام دوم و توجه دادن به ظرفیت‌ها و فرصت‌ها و امیدبخشی و نگاه خوش‌بینانه به آینده از جمله نکات ظریفی است که در حوزه‌ی راهبرد صدور انقلاب مطرح شده است نیز در دیگر بیانات رهبر فرزانه معنای صدور انقلاب به‌روشنی بیان شده است. از جمله ایشان می‌فرماید: «مفاهیم انقلاب و مفاهیم اسلام، مانند عطر گل‌های بهاری است؛ هیچ‌کس نمی‌تواند جلوی آن را بگیرد؛ پنخس می‌شود، همه‌جا می‌رود، نسیم روح‌افزا و روان‌بخشی است که همه‌جا را به‌خودی‌خود می‌گیرد» (۱۳۹۳/۹/۶).

در فرمایش دیگر دارند: «هدف این نیست که انقلاب را به شکل متعارف در عرف و قاموس سیاسی به این کشور و آن کشور صادر کنیم؛ انقلاب چیزی نیست که با ابزارهای سیاسی صادر کرد و با ابزارهای نظامی و امنیتی بشود آن را پیش برد؛ این غلط است و ما از اول این راه را بستیم. مسئله، مسئله‌ی بازتولید معارف والای اسلامی است، تا مسلمانان احساس هویت کنند ... با تعالیم نجات‌بخش اسلام آشنا شوند و بدانند که معانی این‌که خداوند متعال می‌فرماید: ما پیامبران را فرستادیم تا بارهای سنگین، و

زنجیره‌هایی بسته برپاها در محیط شرک‌آلود و بارهای سنگین بردوش که قرآن مطرح کرده است «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» (اعراف، ۱۵۷) چیست؟ و چگونه می‌توان این بارهای سنگین و زنجیره‌های جهل، بی‌خبری و... که بر دوش عقل و جان آنان است، برداشت (۱۳۸۹ / ۱۸/۳).

مقام معظم رهبری مبتنی بر همین مبنا می‌فرمایند: «دستگاه‌های استعماری عالم، نظام اسلامی را به صدور انقلاب منسوب می‌کنند. اگر صدور انقلاب به معنای صدور مواد منفجره و ایجاد جنجال و اغتشاش در میان ملت‌ها و کشورهای دیگر باشد این تهمت از دامان جمهوری اسلامی به کلی دور است. صادر کردن شر و فساد، متعلق به آمریکا و دستگاه‌های جاسوسی و مخرب نظام‌های استکباری است ... صدور انقلاب ما به معنای صدور فرهنگ قرآنی و انسان‌ساز اسلام است» (۱۳۶۸ / ۴/۲۲)، «صدور انقلاب به معنای صادر کردن ارزش‌های انقلابی و افشاگری درباره‌ی مستبدها و ظالم‌های عالم وظیفه و تکلیف الهی ماست. صدور فرهنگ انسان‌ساز اسلام و صدور صفا و خلوص و اصرار بر ارزش‌های انسانی افتخار است و این کار را می‌کنیم» (۱۳۶۸ / ۴/۱۹).

با عنایت به مطالب بیان‌شده و بارمعنای راهبردهای مزیتی که مرتبط با ابزارهای نفوذ و بهره‌گیری مطلوب از قوت‌ها و فرصت‌ها است می‌توان گفت: راهبرد صدور انقلاب از مزیت‌های است که هم در بیانیه گام دوم و هم در مجموعه‌ی منظومه‌ی فکری مقام معظم رهبری مبنی بر اندیشه‌ی توحیدی و آموزه‌های وحیانی در کانون توجه قرار گرفته است. این راهبرد پرمزیت نظام‌های استعماری و استکباری را ترسانده و برای بی‌اثر کردن آن، تهمت‌های را با شیوه‌های مختلف به نظام اسلامی زده و همواره می‌خواهند نور صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی را با گفتارهای باطل و تبلیغات بی‌پایه

خاموش کنند ولی از آنجاکه صدور انقلاب به معنای صدور فرهنگ قرآنی و انسان‌ساز اسلام است، بی‌گمان هرگز نمی‌تواند راه جهان‌گیر شدن آن را ببندد و به یاری خداوند متعال این نور بیش‌ازپیش پرفروغ‌تر شده و دامنه‌اش گسترده‌تر؛ تا جهان را فراگیرد و تمام جهانیان از پرتو آن بهره‌گیرند؛ هرچند این به خوشایند دشمنان حق و حقیقت نباشد. در این زمینه می‌توان از آیه‌ی: «يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَاءَ أَن يَتِمَّ نُورُهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (توبه، ۳۲) بهره‌گرفت. در این آیه، آئین خدا و تعالیم اسلام به نور و روشنایی تشبیه شده و مشخص است که نور سرچشمه حیات و جنبش و نمو و آبادی در روی زمین و منشأ هرگونه زیبایی است. از آنجاکه پایه و اساس انقلاب اسلامی آموزه‌های والای وحیانی است برای آزادگان عالم سرچشمه‌ی خیر و برکت و انگیزه‌بخش و محرک‌آفرین در مسیر تکامل‌ها است. آیه‌ی بیان‌شده به روشنی می‌رساند که طرح‌ها و تلاش‌های دشمنان ارزش‌های قرآنی به دمیدن و فوت کردن با دهان می‌ماند و چه قدر مضحک است که انسان نور عظیمی همچون نور آفتاب را بخواهد با پف کردن خاموش کند! (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۹/۳۶). به نظر می‌رسد برای مجسم‌سازی ناکامی دشمنان نظام اسلامی و بی‌تأثیری تلاش‌های حقیرانه‌ی آن‌ها برای جلوگیری از صدور آموزه‌های وحیانی و ارزش‌های انسانی، تعبیری از این رساتر نیست؛ زیرا به روشنی بیان می‌دارد که طرح و تلاش مخلوق ناتوان در برابر اراده‌ی خدای سبحان بسیار ناچیز است.

۲. تقویت راهبرد استقامت

راهبرد صدور انقلاب در سطح کلان مدنظر است و براساس آن راهبرد تقویت روحیه‌ی ایستادگی و حمایت از نهضت‌های مقاومت اسلامی و استکبارستیزی شکل

می‌گیرد. این راهبرد که ریشه‌ی قرآنی دارد، به‌عنوان یک راهبرد مزیتی هم در بیانیه و هم در دیگر فرمایشات رهبری مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است. در این حوزه برای آگاهی بخشی نیروهای حزب الهی و انقلابی به اهداف، برنامه‌ها و راهبردهای مقابله با نظام سلطه، به شکل کلی در منظومه‌ی فکری رهبری و به‌صورت خاص در بیانیه نکات مهمی وجود دارد. از باب نمونه ایشان می‌فرمایند: «مکت عزیز ایران باید همتشان این باشد که قوی بشوند» این گزاره هم از مطالب بیانیه که مرتبط با شعارهای درخشان جهانی و فطری و همیشه زنده‌ی نظریه‌ی نظام انقلابی است، استفاده می‌شود و هم بارها از ناحیه‌ی رهبری برای حمایت از مظلومان و ایجاد تحول بنیادی در جهان مطرح شده است. ایشان به‌صورت خاص در خطبه‌های نماز جمعه ۲۷ دی‌ماه ۱۳۹۸ در فرمایشاتی که به‌نوعی جمع‌بندی کلان ناظر به وظایف عموم مردم و مسئولین است؛ فرمودند: «باید مکت ایران و مسئولین کشور تلاششان برای قوی شدن کشور و قوی شدن مکت باشد، با اتحاد، با حضور، با صبر و استقامت و با کار سخت و پرهیز از تنبلی. اگر این محقق شد، به توفیق و فضل الهی، مکت ایران در آینده‌ی نه‌چندان دوری آن‌چنان خواهد شد که دشمنان حتی جرئت تهدید هم پیدا نکنند» و در این زمینه در بیانیه می‌فرمایند: «به‌رغم همه‌ی مشکلات طاقت‌فرسا، جمهوری اسلامی روزبه‌روز گام‌های بلندتر و استوارتری به جلو برداشت ... نماد پُربهت و باشکوه و افتخارآمیز ایستادگی در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان و در رأس آنان آمریکای جهان خوار و جنایت‌کار، روزبه‌روز برجسته‌ترشد» در ادامه این مطالب برای تقویت روحیه و راهبرد استقامت و پاسداری از عزت و داشتن روحیه‌ی تسلیم‌ناپذیری برای صیانت از ارزش‌ها و انقلاب و گردن برافراشتن در مقابل دولت‌های متکبر و مستکبر و قدرت‌های انحصارگر جهان که همواره حیات خود را در دست‌اندازی به استقلال دیگر

کشورها و پایمال کردن منافع حیاتی آنها برای مقاصد شوم خود، می دانند؛ می فرمایند آنان خود اعتراف دارند که در مقابل نیروهای انقلابی ناتوان اند. به صورت کلی فرمایشات رهبری در بیانیه به این رهنمون است که ایستادگی روزافزون نیروهای انسانی مستعد و کارآمد و با زیربنای عمیق ایمانی محوری ترین ظرفیت امیدبخش به پیروزی در برابر قلدوران و زورگویان و مستکبران جهان و نهادینه سازی نظام پیشرفتهی اسلامی در مقیاس کلان است. ارشادات او حاکی از آن است که برای رسیدن به قدرت مؤلفه ها و عناصر مادی و معنوی به صورت توأمان نقش دارند و لازمه ی دستیابی به عزت و ارتقای اقتدار، ایستادگی مؤثر در مقابل دشمنی ها و توطئه هاست.

بی گمان کسی که آگاهی به گزاره های دینی داشته باشد به خوبی می یابد که این مطالب الهام گرفته از آیات قرآن است. در آموزه های قرآنی به مسئله ی تقویت و ارتقای روحیه ی مقاومت اهتمام خاص شده و رهبر فرزانه نیز مبتنی بر مبانی قرآنی از مراکز علمی خواسته در این حوزه کار علمی و تحقیقات کنند. مطالعات قرآنی نشان می دهد که واژه ی «استقامت» در مجموع در نه آیه و هفت سوره با الفاظ پنج گانه: و «اسْتَقِمُّ» (شوری، ۱۵) و «اسْتَقَامُوا» (توبه، ۷، فصلت، ۳۰، احقاف، ۱۳، جن، ۱۶) و «یَسْتَقِیْمُ» (تکویر، ۲۸) و «فَاسْتَقِیْمَا» (یونس، ۸۹) و «فَاسْتَقِیْمُوا» (توبه، ۷، فصلت، ۶) ذکر شده است. استقامت از باب استفعال است و دلالت بر طلب قیام به صورت ارادی یا طبیعی و یا عملی دارد و از آیات: «فَاسْتَقِمُّ کَمَا أُمِرْتُ»، «ثُمَّ اسْتَقَامُوا»، «فَمَا اسْتَقَامُوا لَکُمْ»، این معانی حاصل می شود (مصطفوی، ۱۳۶۸: ج ۹، ص ۳۴۳) و یافته های تفسیری حاکی از آن است که استقامت به معنای استمرار داشتن در جهت واحد به گونه ای است که نه به سمت راست عدول کند، و نه به سمت چپ (طوسی، بی تا: ج ۶، ص ۷۷؛ طبرسی،

۱۳۷۲: ج ۵، ص ۳۰۳). به نظر می‌رسد با نگرش ژرف اندیشانه می‌توان گفت آموزه‌های و حیانی به تنوع مفهومی واژه‌ی «استقامت» رهنمون‌اند و در اینجا به مهم‌ترین‌ها که مربوط به راهبرد مقاومت است، اشاره می‌شود:

الف: تعهد و پابندی

در قرآن کریم بر لزوم ایفای عهد دوجانبه تأکید شده است. در یکی از آیات، در آغاز سخن از عدم وثوق مشرکین و عدم پابندی آنان به عهدشان چنین آمده است: «كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ.» (توبه، ۷)، «چگونه مشرکان را نزد خدا و نزد فرستاده او عهدی تواند بود؟» و در ادامه‌ی آیه گروهی را استثنا کرده و می‌فرماید تا وقتی طرف مقابل بر سر عهد وفادارند، اهل ایمان نیز بایست پایدار بر عهد با آنان باشند «فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ.» (توبه، ۷). این آیه بیانگر پایداری در استمرار عهد مسلمین در مقابل دسته خاصی از مشرکین است و به‌خوبی می‌رساند که نبایست از دشمنان اسلام با آن‌همه اعمال و رفتار و کارهای خلافشان، انتظار پابندی به تعهداتشان را داشت و آنان نیز انتظار وفاداری به پیمان‌ها را از جانب مسلمان به‌طور یک‌جانبه نداشته باشند. چنان‌که در آیه‌ی دیگر به این رهنمون است که اگر طرف مقابل عهد و سوگند خود را پس از پیمان شکستند و شما را در دیتان طعن زدند، بر شماست که با پیشوایان منکر حق بجنگید، چراکه آنان را هیچ پیمانی نیست، باشد که از پیمان‌شکنی بازایستند «وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ» (توبه، ۱۲) در این آیه تجویز مبارزه و مقابله با دشمنان حق برای آن است شاید با دیدن شدت عمل و این‌که راه بازگشت به روی

آن‌ها باز است از عهدشکنی دست بردارند و به رفتارهای مرتبط با نقض پیمان‌ها پایان دهند «ینتهون عن نکت الأیمان و نقض العهود» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۹، ص ۱۵۹).

این آیات به خوبی می‌رسانند که با استقامت می‌توان هیمنه‌ی واهمه از پیکار با دشمن را از بین برد. برای تقویت روحیه‌ی مقاومت با عنایت به فنون بلاغت یعنی بیان مطالب پراهمیت با تعبیرات گوناگون هم در آیات و هم در فرمایشات رهبری نکته‌سنجی‌های فنی یافت می‌شود و به نظر می‌رسد راز آن این است که با این فنون درصدد ترویج و نهادینه‌سازی نگرش استقامت و ضربه‌ی نهایی واردسازی بر پیکر استکبار و آگاهی بخشی از رفتار آنان برای بیدارسازی اهل ایمان برای تقویت روحیه‌ی استکبارستیزی تا برچیدن آثار شوم استعمار و پیامدهای ناگوار آن است. هم در آموزه‌های وحیانی و هم در فرمایشات رهبری مطالب انگیزه‌بخش برای مسلمانان جهت دور سازی هرگونه سستی و ترس و تردید در این حوزه با طرح این پرسش که چرا عهد و پیمان آنان کمترین ارزشی ندارد؟ پاسخ قرآن این است که چون: «إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ» یعنی درست است که آن‌ها ایمان ندارند ولی نکته‌ی کلیدی‌ترین در این حوزه آن است که آنان به پیمانی که می‌بندند پایبند نیستند و این با تجربه نقض کردن مکرر از سوی دشمنان حق ثابت شده و لهذا آمادگی برای نقض پیمان خود در آینده نیز دارند و از این جهت پیمانشان اعتبار و ارزشی نخواهد داشت. با عنایت به ظرافت‌های که در آیات و نیز فرمایشات رهبری در باب پیمان‌پای وجود دارد به این می‌رسیم که واژه‌ها و کلمه‌های فشرده و پرمغزی که در منظومه‌ی کفری رهبری و به صوت خاص در متن بیانیه کنار هم قرار گرفته‌اند، برگرفته از آیات کلام وحی است.

ب: پایداری بر رسالت ایمانی و وجدانی

درباره‌ی پافشاری و ایستادگی بر رسالت ایمانی و توجه به خرد ناب که نیروی درونی برای تشخیص خوب از بد و عامل مراقبت از انحراف و زاویه پیدا نکردن با حق می‌باشد، سخن بسیار است. در این حوزه چه عوامل درونی و برونی زیادی نقش‌آفرین است که هم در آیات قرآن و هم در فرمایشات رهبری مرتبط با آن، مطالب ظریف زیادی یافت می‌شود ولی جای طرح مستوفی آن نیست و لهذا در اینجا از باب نمونه به چند مهم اشاره خواهد شد. به نظر می‌رسد یکی از آیاتی که به‌روشنی آموزه‌های آن تأکید بر پایداری بر رسالت ایمانی و تبعیت از نظام توحیدی و اهتمام مستمر بر تبیین و تبلیغ و ترویج امور مرتبط باخرد، با مقاومت در برابر سرکشان و ستمگران دارد، این آیه است: «قَدْ عَجِيبٌ دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانَّ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (یونس، ۸۹)، «دعای هر دوی شما پذیرفته شد. پس ایستادگی کنید و راه کسانی را که نمی‌دانند پیروی نکنید.» این آیه درباره حضرت موسی و حضرت هارون⁸ است. پیام محوری آن این است که وقتی آن پیشوایان آسمانی مأموریت به هدایت فرعون یافتند، براساس رسالت خویش با برنامه‌ی حساب شده اقدام و عمل نمودند ولی پس از آن‌که نه سخن نرم و لین آنان که به فرعون گفتند: «هَلْ لَكَ إِلَىٰ أَنْ تَزْكِيَ» (نازعات، ۱۸)، «آیا سرِ آن داری که به پاکیزگی گرایی» و نه معجزات متعدد یعنی هیچ یک از طرح، اقدام و عمل‌های آن مدیران و پیشوایان حق کمترین تأثیری در تحول فرعون نیاورد! و او همچون گذشته به استکبار و استعلا طلبی و استمرار طرح گمراه‌سازی مردم، ادامه داد و گفت: «أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَىٰ» (نازعات، ۲۴). حضرت موسی^(۷) محو اموال و عذاب فرعون و پیروانش را خواست و فرمود: «پروردگارا، تو به فرعون و اشرافش در زندگی دنیا زیور و اموال داده‌ای، تا خلق را از راه تو گمراه کنند، پروردگارا، اموالشان را نابود کن.»

«...إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا... رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَيَّ أَمْوَالِهِمْ...» (یونس، ۸۸) و حضرت هارون^۷ برای اجابت دعای او آمین گفت. احادیث و نکات تفسیری حاکی از آن است که دارای هایشان تبدیل به سنگ شد «صارت أموالهم حجارة». (طوسی، بی تا: ج ۵، ص ۴۲۳) و سرانجام با نصرت الهی پیروان حضرت موسی^۷ نجات یافته و نظارگر گرفتاری فرعون و پیروانش و غرق شدن آنان در دریای عذاب بودند «فَرَقْنَا بِكُمْ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ» (بقره، ۵۰) به هر حال غرض این که پایداری و استواری بر ترویج مستمر انجام مأموریت دینی و هماهنگی و همراهی با حق و صدای وجدان برای عدم تجاوز از راه مستقیم و بی توجهی به تمایلات ستمکاران یکی از راهبردهای اساسی برای پیشبرد اهداف نظام اسلامی است و به پاره‌ی از مهم‌ترین مستندات قرآنی آن، اشاره رفت. در اینجا لازم است به متن و محتوای این آیه نیز دقت داشته شود: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ» (هود، ۱۱۲)، «پس، همان گونه که دستور یافته‌ای ایستادگی کن» یافته‌های تفسیری حاکی از آن است که آیاتی که تأکید بر استقامت دارند هم به‌عنوان دلداری و تسلی خاطر پیامبر^۹ هم و برای بیان وظایف و مسئولیت او نازل شده‌اند. به نظر می‌رسد یکی از نتایج مهمی که از شرح داستان‌های اقوام پیشین گرفته می‌شود این است که پیامبر^۹ و به تبعیت از او مؤمنان راستین از انبوه دشمنان نهراسند و در شکست دشمن ستمگری که با آن روبرو هستند شک و تردیدی به خود راه ندهند و به امدادهای الهی مطمئن باشند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۹، ص ۲۵۴). در این زمینه فرمایشات رهبری بسیار است، از باب نمونه می‌فرمایند: استقامت در قرآن به معنای ایستادگی کردن، ادامه دادن، راه را دنبال کردن و متوقف نشدن است (۱۱/۱۰ / ۱۳۹۰) و می‌فرمایند معنای مقابل استقامت «طغیان» است،

«طغیان، یعنی سرکشی، منحرف شدن.» (۱۳۸۹ / ۳ / ۱۴) و در جای دیگر می‌فرمایند: «هنگامی که ملتی راهی را آغاز می‌کنند، رسیدن به نتایج، احتیاج دارد به استقامت در آن راه، به پیشرفت در آن راه، به متوقف نشدن میان راه» (۱۳۹۰ / ۷ / ۲۷) و امور معنوی و فردی نیز استقامت لازم دارد، بنابراین «تداوم، یک عنصر جدیدی است غیر از خود اصل شروع عمل» (۱۳۹۱ / ۳ / ۱۶).

بی‌گمان آیات بیان شده در قدم نخست شخص پیامبر اکرم^۹ و سپس مؤمنان به او را به استقامت امر می‌کند و رهبری در تبیین آن می‌فرمایند: اولاً نباید در راه رسیدن به هدف متوقف شد، ثانیاً در مسیر رسیدن به هدف، مراقب انحراف و زاویه پیدا کردن باید بود. عوامل این انحراف دو امر است: ۱. عامل درونی ۲. عامل بیرونی. عامل درونی همان «تهاجم هواهای نفسانی... و محبت طلا و نقره، پول و شهوات جنسی» و عامل بیرونی دشمنان، توطئه‌گران، بدخواهان و قدرت‌های مسلط می‌باشند (۱۳۸۵ / ۱ / ۶).

ج: ثبات قدم در انجام مأموریت

مطالعات قرآنی نشان می‌دهد در باره‌ی این مفهوم از استقامت که بیانگر اهتمام به استمرار انجام مأموریت است از آیات زیادی می‌توان بهره گرفت ولی به نظر می‌رسد از کلیدی‌ترین آیات این آیه است: «فَادْعُ وَ اسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ» (شوری، ۱۵)، مشخص است که این ایستادگی و استواری در انجام مأموریت با اموری هماهنگ است. گزاره‌های کلام وحی نشان می‌دهد که مهم‌ترین امور دعوت نمودن انسان‌ها به سوی آیین واحد الهی است چنانکه خداوند به پیامبر دستور می‌دهد: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ إِلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً وَ لَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضاً أَرْبَاباً مِنْ دُونِ اللَّهِ» (آل عمران، ۶۴) و هم‌چنین و رهانیدن مردم از اختلافات است «فَلِذَلِكَ فَادْعُ» و نیز

عدم تبعیت از نظام هواها و هوس‌های نفسانی است «وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ» و هم‌چنین آیاتی که بیانگر وظایف ایمانی و درخواست راهبری به راه راست است «أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» (فاتحه، ۶) و آیات: «مَنْ يَعْصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (آل‌عمران، ۱۰۱) «هر کس به خدا تمسک جوید، قطعاً به راه راست هدایت شده است.»

جستارها بیانگر آن است که در این حوزه هم در آیات کلام وحی و هم در فرمایشات رهبری سخن بسیار است. از باب نمونه به جان مایه‌ی یکی از فرمایشات رهبری که مبتنی بر همین آیات است اشاره می‌گردد. ایشان می‌فرمایند: «سِتِّمِمْ در قرآن، به معنای ثبات ورزیدن در راه حق و تحت تأثیر عوامل گوناگون قرار نگرفتن است» (۱۳۹۶ / ۸ / ۱۸).

لازم به ذکر است که نگاه عمیق به مفهوم استقامت در همین بیان و بطورت کلی در اندیشه‌ی قرآنی رهبری که رهنمون به سرای سلامت و جهت دهنده به سوی اندیشه‌ی درست و بهره‌برداری بایسته از سرمایه‌ی مقاومت در راه راست و نیز منشأ ایستادگی یعنی شرح صدر و نقش تعیین کننده‌ی آن در اقدام و عمل مبتنی بر مبانی دینی و اهتمام ورزی به توسعه‌ی متوازن و ثبات قدم در مسیر حق؛ نیازمند یک مقاله‌ی علمی مستقل است.

۳. طراحی سبک زندگی اسلامی

رهبری در توصیه‌ی هفتم که آخرین سفارش مطرح در بیانیه است، می‌فرمایند: «در باره‌ی سبک زندگی سخن بسیار است و آن را به فرصتی دیگر وامی‌گذارم و به همین جمله اکتفا می‌کنم که تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیان‌های بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛

مقابله‌ی با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد و چشم امید در آن به جوانهاست» بنابراین طراحی سبک زندگی اسلامی از دیگر راهبردهای مزیتی است که در بیانیه بدان اشاره شده و مطالعات در آثار و بیانات رهبری به این رهنمون است که در منظومه‌ی فکری امام خامنه‌ای در باره‌ی سبک زندگی اسلامی بر دو محور و موضوع توجه و تأکید اکید شده است که بطور خلاصه بدانها پرداخته می‌شود.

الف: نظام خانواده

در این حوزه در مجموعه‌ی پنج‌جلدی تحت عنوان «نقش و رسالت زن» که برگرفته از بیانات رهبری است نکات ظریف و دقیق زیاد وجود دارد، ازباب نمونه ایشان می‌فرمایند: «خانواده بهترین منتقل‌کننده‌ی فرآورده‌های فکری به نسل‌های بعدی است» (نقش و رسالت زن، ۱۳۹۳: ج ۳ / ۹۴).

با عنایت به این مطلب می‌توان گفت نقش خانواده در طراحی سبک زندگی اسلامی بسیار پررنگ است. فرمایشات ایشان مبتنی بر آموزه‌های وحیانی حاکی از آن است که اصرار خداوند بر ازدواج و ناخشنودی او از مرد و زن تنها این را می‌رساند که این مهم از جهتی سری از اسرار آفرینش و سبب آرامش و فراهم‌سازی محیط سالم و تسهیل‌کننده‌ی سیر در مسیر فطرت و مصلحت بشر در فضای ایمانی و صداقت و پاک‌دامنی است و از سوی دیگر نیاز اساسی و سنت نبوی است.

ایشان در مناسبت‌های مربوط به ازدواج در تبیین آیه‌ی: «مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم، ۲۱)، «از نشانه‌های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید، و میانتان دوستی و رحمت نهاد.» و آیه‌ی: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ

إِلَيْهَا» (اعراف/۱۸۹)، «اوست آن کس که شما را از نفس واحدی آفرید، و جفت وی را از آن پدید آورد تا بدان آرام گیرد» می‌فرماید: «یسکن یعنی چه؟ یعنی ما در زندگی تلاطم‌ها و اضطراب‌هایی داریم که گاهی انسان را از جا می‌کند. وقتی زن احساس می‌کند شوهرش همراهش است و به او تکیه دارد؛ و وقتی شوهر احساس می‌کند که زنش همراهش است و در هاله‌ی محبت او قرار گرفته، این تلاطم‌ها تبدیل به آرامش می‌شود و این همان سکن است» (نقش و رسالت زن، ۱۳۹۳: ج ۳/ ۱۳۵).

چنانکه اشاره شد در فرمایشات رهبری در این حوزه سخن بسیار است که مجال پرداختن به آن‌ها به صورت مبسوط نیست ولی در کلی‌ترین شکل می‌توان گفت دیدگاه رهبری در این خصوص بر محور راه‌های نهادینه‌سازی ارزش‌های واقعی توجه به نقش محوری زنان در حوزه عواطف و حفظ کانون گرم خانواده است و همچنین درباره چگونگی مطلوبیت حضور بانوان در مسؤولیت‌های اجتماعی و اجر زحمات روحی و عاطفی زنان با استناد به حدیث: «الْمَرْأَةُ رِيْحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۵، ص ۵۱۰) می‌فرماید: «زن گل زندگی است نه مباشر و کارگر خانه ... قهرمان، یعنی همین کارپرداز امروز زندگی است. این زن کارپرداز زندگی شما نیست که همه‌ی کارهای زندگی‌تان را روی دوش او بگذارید و بعد هم او را مؤاخذه کنید، نه! این یک گلی است در دست شماست، حتی اگر دانشمند یا سیاست‌مدار باشد، در بحث معاشرت خانوادگی، او گل است» (۱۳۷۹ / ۶ / ۳۰).

از منظر مقام معظم رهبری خانواده از پایه‌های اساسی راهبرد سبک زندگی اسلامی و دارای تأثیرات محسوس و تعیین‌کننده‌ی در تقویت روحیه و نفوذ عاطفی است. ایشان تأکید بر این دارند که در نظام اسلامی درباره‌ی شغل زنان و امور مربوط به کانون

گرم خانواده و این که زن پایه‌ی مهم زندگی و واحد بنیادین اجتماع و شرط لازم برای پیشرفت مبتنی بر آموزه‌های دینی است، توصیه‌های اکید بر اهتمام تشکیل خانواده سالم دارند چه این که پیامبر اکرم ^۹ فرمودند: «النَّاسُ مَعَادِنٌ وَالْعِرْقُ دَسَّاسٌ وَادَبُ السُّوءِ كَعِرْقِ السُّوءِ» (پاینده، ۱۳۶۳: ۷۸۸)، «مردم، همانند معدن‌ها مختلف‌اند و اصل و نسب در انسان بسیار مؤثر است و تربیت بد، همانند اصل و نسب بد است» با عنایت به این گزاره‌ها رهبری تبیین نقش خانواده سالم در تربیت معنوی، فکری و روانی بشر، بر پایه‌ی حاکمیت دین تأکید دارند و آن را موجب گسترش عفت، عزت، بالندگی و ترویج روش زندگی سالم و فراهم سازنده‌ی بستر خیر و برکت و بهره‌گیری مطلوب از التذاذات معنوی و عاطفی در مقابل تلاطم نه در مقابل حرکت می‌دانند (نقش و رسالت زن، ۱۳۹۳: ۳).

ب: رفتار مدیران و مسئولان نظام اجتماعی

بی‌گمان شیوه‌ی زندگی مدیران و مسئولین نظام نقش تعیین‌کننده در طراحی سبک زندگی مردم دارد. درباره‌ی جایگاه تأثیرگذاری آن، امیرالمؤمنین ^۷ می‌فرمایند: «مردم، به دولتمردان خود شبیه‌ترند تا به پدرانشان»، «النَّاسُ بِأُمَّرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِآبَائِهِمْ» (ابن‌شعبه‌حرانی، ۱۴۰۴: ۲۰۸) و در بیان دیگر می‌فرمایند: «النَّاسُ بِزَمَانِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِآبَائِهِمْ» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۶۶)، «مردم به زمان خود شبیه‌ترند تا به پدران خود» با عنایت به این دو بیان در جای دیگر می‌فرمایند: «هرگاه درستکاری بر روزگار و مردمش حاکم شود و در چنین زمانی کسی به دیگری بی‌آنکه گناهی از او آشکار شود، گمان بد برد، ظلم کرده است و هرگاه فساد بر روزگار و مردم آن حاکم شود و کسی به دیگری خوش‌بین باشد، خود را فریب داده است» «إِذَا اسْتَوْلَى الصَّلَاحُ عَلَى الزَّمَانِ وَ أَهْلُهُ ثُمَّ...»

(نهج البلاغه، حکمت ۱۱۴). اساس همین آموزه‌های دینی در فرمایشات رهبری در باره‌ی سبک زندگی مدیران و مسئولین نظام تأکید بر ساده زیستی و اهتمام بر هم‌رنگ با مردم بودن و این‌که تلاش و همت‌شان رفع نیازهای مردم باشد، شده است.

یافته‌ی مطالعاتی و مشاهداتی حاکی از آن است دسته‌ای از مدیران اخلاق دارند؛ اما بهره‌ای درک درست شرایط و اقتضائات زمان خویش ندارند. برخی از این جهت بهره‌ی لازم را ندارند ولی اخلاق ندارند و بعضی هیچ یکی از آن دو را ندارند ولی کسانی هستند که هم رفتار مطلوب دارند و هم بهره‌مند از علم و شرایط و اقتضائات زمان خویشند و بدیهی است که این‌ها بهترین مدیران و مسئولان نظام دینی می‌توانند باشند؛ زیرا از سوی فرزانه‌ی خودساخته‌ی دور از هوا و هوس‌اند و از جهت دیگر عالم به زمانه بوده با هوشمندی ایفای نقش داشته و به وظایف خویش و اقتضائات و طرح دشمن آگاه است. از این‌رو نه عبادت او را متظاهر و متکبر می‌کند و نه عالمی است که خواهان حرکت دیگران پشت سرش کورکورانه باشد و از او تعریف و تمجید کنند. چنین مدیران و مسئولانی عاقلان دوران و حق‌شناس حق‌پویانی هستند که از همت و تلاششان در راستای برپاداری حق و رهایی از زیر یوغ نظام سلطه است.

بی‌گمان چنین افرادی کلید خیر و قفل شرند «مَفَاتِيحُ لِلْخَيْرِ مَغَالِقُ لِلْشَّرِّ» (پابنده،

۱۳۶۳، ۳۴۰).

شایان ذکر است از باب اینکه به فرموده‌ی امام علی^۷ مردم سه گروهند: دانشمند خداشناس، دانش جوی در راه رستگاری و فرومایگان بی‌اراده و سرگردان که هر دعوتی را اجابت می‌کنند و به هر طرف که باد بیاید به همان طرف می‌روند، از نور دانش روشنائی نمی‌گیرند و به پایگاه محکمی پناه نمی‌برند. «الْأَناسُ ثَلَاثَةٌ: فَعَالِمٌ رَبَّانِيٌّ وَ

مُتَعَلِّمٌ عَلَى سَبِيلِ نَجَاةٍ وَ هَمَّجٌ رَعَاعٌ أَتْبَاعُكُلِّ نَاعِقٍ يَمِيلُونَ مَعَ كُلِّ رِيحٍ لَمْ يَسْتَضِيئُوا بِنُورِ الْعِلْمِ وَ لَمْ يَلْجُؤُوا إِلَى رُكْنٍ وَثِيقٍ» (نهج البلاغه، کلمات قصار، ۱۴۷) و این که قرآن تفاوت میان جایگاه افراد و تسلط برخی افراد بر دیگران را فعل الهی معرفی کرده و می‌فرماید: «نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ رَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سَخِرِيًّا» (زخرف، ۳۲)، «ما معیشت مردم را در حیات دنیا در میانشان تقسیم کردیم و بعضی را بر بعضی برتری دادیم تا یکدیگر را مسخر کرده و با هم تعاون نمایند.»

از این به خوبی استفاده می‌شود که خداوند در زندگی دنیا، ارزاق مردم (اعم از مادی و معنوی) را میان آنان تقسیم کرده و جایگاه‌های متفاوتی به افراد بر اساس ظرفیت و قابلیت داده تا برخی بر بعضی دیگر مدیریت و نقش هدایت‌گری داشته باشند. بدیهی است که لازمه‌ی این مهم ایجاد نظام تبعیت است و به دنبال این فعل الهی، مجموعه‌هایی بر اساس تبعیت در اراده ایجاد می‌شود و مدیریت مصداق پیدا می‌کند. رهبری مبتنی بر آموزه‌های وحیانی برای مدیران و مسئولین نظام اسلامی در بیانات خود شاخص‌های را بیان کرده است که ترسیم‌کننده‌ی سیما و رفتار است و در اینجا به مهم‌ترین‌ها اشاره می‌شود.

ایشان در فرمایشات خود به‌ویژه در آستانه‌ی انتخابات ریاست جمهوری شاخص‌های نامزد اصلح را بیان کرده و می‌کنند و در اینجا به مهم‌ترین‌ها اشاره می‌شود. جان‌مایه‌ی فرمایشات ایشان در این است که: *انتخاب هم یک حق است و هم یک وظیفه و بایست در انتخاب اصلح توجه شود به کار اجرایی بلد بودن و توانایی کشیدن بار سنگین اداره مملکت*» (۱۹/ ۱۰/ ۱۳۹۲) *همه‌ی ما دارای نقاط قوت و نقاط ضعف هستیم، در انتخاب به نقاط قوت امروز، منهای نقاط ضعف موجود توجه شود* (۱/ ۱)

۱۳۹۲) توانایی مدیریت اجرایی کشور را داشته باشد، معتقد به قانون اساسی و دارای روحیه مقاوم در برابر دشمنان باشد، با برنامه، باتدبیر و با حکمت و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی داشته باشد...مehذب به اخلاق باشد، به حاشیه‌ها نپردازد و وعده بی مبنا ندهد (۱۳۹۲ / ۲ / ۱۷) تدین، تعهد، آمادگی و توانایی انجام کار بزرگ مدیریت عالی اجرایی کشور را داشته باشد...کاری، مردمی، مقاوم، ارزشی، باتدبیر و قانون‌مدار باشد و درد مردم را حس کند (۱۳۹۲ / ۲ / ۱۶)

این فرمایشات و دیگر بیانات ایشان در این حوزه به این رهنمون است که کشور بایست براساس قانون و نظام تبعیت اداره شود؛ زیرا راه‌گزینی از آن نیست ولی بایست قانون حاکم در انتخاب‌ها و اجراها قانون الهی باشد نه بشری چون قانون حاکم در کشور الهی است نه الحادی که در آن انتخاب از سر هوا و هوس و «اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ» (جاثیه، ۲۳) است. این انتخاب چه در باره‌ی انتخاب رئیس‌جمهور باشد یا نمایندگان یا وضع قانون از سوی آنان معیارهای بیان شده بایست در هر سطحی در حد امکان در کانون توجه قرار گیرد. نکته مهم آنکه توجه به این معیارها و منویات در هر سطحی می‌تواند بستر شایسته‌سالاری و فضای نقد و بررسی منصفانه و اخلاقی و سفارش‌های خداپسندانه و دلسوزانه را فراهم سازد.

روشن است که این مسئله ارتباط عمیق با بحث معرفت دارد و در این خصوص در منظومه‌ی فکری رهبر و به‌صورت خاص در توصیه‌ها بیانیه‌ی اهتمام ویژه به ارتقای سطح فرهنگ قرآنی، حضور فعال و پرثمر در مساجد، مردم پایه‌ی بودن گسترش اخلاق و معنویت شده و به نظر می‌رسد برای نهادینه‌سازی این راهبرد در میان اقشار مختلف مردم بایست مدیران و مسئولان نظام به مباحث مانند ساده زیستی، اهتمام به فرهنگ

کار جمعی و مقیدسازی مدیران اجرایی و کارگزاران و مدیران فرهنگی و گروه‌های مرجع به سبک زندگی اسلامی را در کانون توجه قرار دهند.

واقعیت‌های موجود حاکی از آن است که بسیاری از مدیران و مسئولان سطح کلان جامعه اسلامی از داشتن سبک زندگی مبتنی بر این مبانی و معیارها به معنای واقعی کلمه دورند و در بیانیه نیز به این مهم اشاره رفته است. این در حالی است که شکل‌گیری سبک زندگی سالم در حوزه‌های گوناگون فردی و اجتماعی، یکی از اهداف و آرمان‌های اصلی انقلاب اسلامی بوده است. علی‌رغم تلاش‌های انجام‌شده در طول چهل سال عمر انقلاب، تحقق این هدف دچار چالش شده و متأسفانه جامعه کنونی به علت تأثیرپذیری از فرهنگ غرب از یکسو و تحت تأثیر زندگی قبل از انقلاب اسلامی از سوی دیگر، نتوانسته است میان باورهای اصیل اسلامی و سبک زندگی خود در حوزه‌های گوناگون ارتباطی عمیق و تنگاتنگ ایجاد کند و از این جهت در جامعه ایران تاکنون نتوانسته‌اند به شکل مطلوب از میوه‌های ارزشمند عقاید و باورهای دینی خویش در عرصه رفتار و سبک زندگی بهره‌ی لازم گرفته شود.

۴. الگوی مردم‌سالاری دینی

الگوی مردم‌سالاری دینی یکی از راهبردهای مزیتی‌مدنظر در بیانیه‌ی گام دوم برای اداره‌ی مطلوب جهان معاصر است و در بیانیه گام دوم انقلاب که یک میثاق پرمایه‌ی مبتنی بر سنت‌های الهی است، در این حوزه گزاره‌ای پرمغزی وجود دارد. اهتمام به اجرا و تعهد به آن موجب وارد شدن به آستانه‌های پیشرفت و کمال است. به‌رحال مسئله‌ی مردم‌سالاری از اموری است که در بیانیه فصلی را به خود اختصاص داده و تأکید بر تکیه کردن بر مردم به‌عنوان حاصل و عامل تغییر شده و از این لحاظ بایسته است نظر رهبری را جویا شد؛ زیرا در فرمایشات ۱۳۷۸ هنگامی که مراحل

پنچگانه انقلاب را نام بردند فرمودند: « ما در مرحله‌ی دولت اسلامی هستیم و بعد جامعه اسلامی و...» اما در این بیانیه بحث دولت اسلامی وزنی ندارد و مستقیم مخاطب مردم و به‌ویژه جوانان هستند.

از این رو مردم‌سالاری دینی مربوط به چگونگی حکومت‌داری و مدیریت جامعه در سطح کلان است و لازمه‌ی آن عمل به قوانین است. قوانین یا منبعث از قانون الهی اند یا بشری و الحادی! به این معنا که قانون بشری منهای دین چیزی جز الحادی نیست. البته ممکن است کسی یا کسانی بگویند مردم‌سالاری همان دموکراسی غربی است و ترکیب دین با آن وصله‌ی ناجور است چون آموزه‌های قرآنی به این رهنمون‌اند که «اکثریت» آراء به کسی یا نگرشی ملاک بر حقانیت و انتخاب درست نیست، کما این که «اقلیت» نیز دلیلی بر حقانیت نیست.

درواقع از نظر اسلام مشروعیت به جعل و نصب الهی است نه حاکمی که مردم انتخاب یا انتصاب کرده‌اند. برآیند این نگرش آن است که استدلال‌های در حوزه‌ی مردم‌سالاری دینی چوبین و سست است. از منظر دیگر هستند کسانی که اصرار دارند در هر قانونی که به مسئله‌ی عدالت و اخلاق و حقوق بشر و آزادی‌های مطلوب و شایسته‌سالاری تأکید و الزام شده است، آن قانون عقلانی و اسلامی است. این نگرش‌ها مبانی و مفروضاتی دارند که مجال طرح نیست و آنچه در اینجا مدنظر از مردم‌سالاری دینی است، اینکه منشأ قدرت و مشروعیت و قوانین در همه‌ی حوزه‌ها قانون الهی باشد؛ زیرا از سوی تنها او عدالت آفرین و آزادی‌بخش است و از سوی دیگر ثابت شده است که قوانین بشری منهای دین، نه تنها مشکل‌گشا نیستند که گاه مشکل آفرینند. این که آزادی مطلوب چیست؟ عدالت چیست؟ حقوق بشر چیست و برای کیست؟ در

قوانین موضوعه‌ی بشری در عرصه‌ی عمل شاهدیم و می‌بنیم که برای برخی راه نفس کشیدن را گرفته‌اند.

با توجه به شواهد عینی نقد و نقص‌های یافته‌ها بشری در این حوزه می‌توان گفت اساس‌ترین مشکل بشر کنونی عدم تمکین بر قوانین ماوراء طبیعت و پیروی آن از هوا و هوس و به فرموده‌ی قرآن از افرادی است که هوای نفس را معبود خویش ساخته‌اند «مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ» (فرقان، ۴۳).

بدین‌جهت کسانی که چنین بینش و نگرش داشته باشند قانون وضع شده آن‌ها الحادی و پر از کاستی است. اینجاست که بحث انواع نظام‌ها مطرح به این معنا که اگر حکومت استبدادی باشد قانون آن همان رأی و نظر حاکم یا حزب حاکم است و رئیس حکومت از سوی نمایندگان انتخاب شود، قانون از سوی مجلسی تصویب می‌شود و این همان دموکراسی مردمی است نه دموکراسی دینی؛ اما اگر قانون حاکم بر ملت قانون الهی بود «کما هو الحق» آن وقت این آشکالی دارد که به چند شکل و چند صورت ممکن است قانون الهی پیاده شود. آنچه در پژوهش مدنظر است پیاده‌سازی قانون الهی بر مبنای ولایت‌فقیه است.

جان‌مایه کلام از این نگاه آن است که پیامبر^۹ در مدینه نظامی تأسیس کرد و حکومتی ایجاد کرد که نه نظام فردی دیکتاتوری بود، نه نظام شاهنشاهی و نه نظام حزبی و نه نظام مردم‌سالاری عادی که دین در آن نقش نداشته باشد.

در نظام نبوی حکومت مبتنی بر آموزه‌های وحیانی است و پس از پیامبر حق ولایت از آن ائمه معصومین (علیهم السلام) است و در عصر غیبت از آن نمایندگان عام ولیعصر (عج) و در عصر ما این نوع حکومت در نظام ولایت‌فقیه مجسم شده است. با

توجه به این که در زمان حیات پیامبر ۹ آن حضرت ۹ عهده دار نظام بود و به فرموده‌ی قرآن به پیروان از خودشان سزاوارتر و نزدیک‌تر بود «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ» (احزاب، ۶) روشن است که وقتی به مؤمنین اولی است، نسبت به غیر مؤمنین؛ بطریق اولی سزاوارتر است! چرا؟ برای اینکه پیامبر و پیشوای از جانب خدا برای هدایت بشر است و در باره‌ی سعادت آن حریص و نسبت به مؤمنان به صورت خاص دلسوز مهربان است: «رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ» (توبه، ۱۲۸) یعنی او هم مصلحت را حکیمانه و بهتر می‌داند و از آن معصومانه آگاه است و هم معصومانه اجرا می‌کند. وقتی کسی معصومانه مصلحت یک ملت را می‌فهمد و معصومانه اجرا می‌کند، این یقیناً اولی نسبت به خو آنهاست و به نظر می‌رسد این اولویت تعیینی است نه تفضیلی.

الف: حاکم سازی سیاست‌های درون‌گرا

برای حرکت به سوی حاکم سازی سیاست‌های دورنگر نکتته‌ی محوری موجود در بیانیه گام دوم، توجه به مسئله‌ی خودآگاهی و خودشناسی فردی و ملی است. بایست درک درست از انسان شایسته و باعزم، مؤمن، انقلابی و با همت جهادی داشت تا در راستای چگونگی تأمین اهداف برنامه و عمل داشت.

مقام معظم رهبری تأکید بر این دارند که با دو عامل هدف تأمین می‌شود: یک عامل انتخابات گرم پرشور است، مردم زیاد با شور و شوق شرکت کنند، بیایند پای صندوق‌ها. دوم اینکه این انتخابات منتهی شود به انتخاب یک انسان شایسته‌ی وارسته‌ی باعزم مؤمن انقلابی با همت جهادی.

با این دو اصل، مقصود ملت ایران حاصل می‌شود. ایشان درباره حصول مقصود دشمن می‌فرمایند: مقصود دشمن با این حاصل می‌شود که انتخابات اولاً سرد برگزار شود؛ مردم بی‌رغبت باشند، عده‌ی کمی شرکت کنند، یک عده‌ای بگویند: آقا چرا شرکت کنیم؟ فایده‌اش چیست؟ ما نمی‌خواهیم بیاییم. این‌ها دشمن را خوشحال می‌کند. ثانیاً نتیجه‌ای که از صندوق‌ها بیرون می‌آید، نتیجه‌ای باشد که دولت را، به تبع دولت، ملت را به سمت وابستگی بیشتر، به سمت تبعیت بیشتر، به سمت قرار گرفتن در سیاست‌های دشمنان قرار دهد؛ دشمن این را می‌خواهد. ایشان تأکید بر شناخت سیاست‌های دشمن و خنثی‌سازی برنامه‌های آن و حاکم‌سازی سیاست‌های درون‌گرا دارند (۱۳۹۲ / ۲ / ۲۵) و راه رسیدن به آن، انتخاب اصلح است؛ زیرا اصلح همت بر حفظ عزت و حرکت کشور در جهت هدف‌های انقلاب دارد.

رهبری شاخص‌های را در این خصوص بیان فرمودند که به مناسبت در پاره‌های پیشین به برخی از آن‌ها اشاره شد از جمله توانایی مدیریت اجرائی، باور به قانون اساسی و داشتن روحیه مقاومت در برابر دشمنان و اهتمام به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و همچنین مسئله‌ی خودساختگی، تدین، تعهد و مردمی بودن است (۱۳۹۲ / ۲ / ۱۶). فرمایش دیگر رهبری حاکی از آن است که انتخاب اصلح نه فقط در طول چهار و پنج سال که گاهی در طول ده‌ها سال تأثیراتش باقی می‌ماند و لهذا بایست درباره‌ی انتخاب شایسته فکر کرد و باید معیارها را شناخت و سرانجام می‌فرمایند: «جمالاً معیار اصلی این است که کسانی سرکار بیایند که همشان بر حفظ عزت و حرکت کشور در جهت هدف‌های انقلاب باشد. آنچه ما در این سال‌های طولانی از خیرات و برکات به دست آورده‌ایم، به برکت هدف‌های انقلاب بوده است؛ هرچائی که ما کم آوردیم، عقب ماندیم، شکست خوردیم، به خاطر غفلت از هدف‌های انقلاب اسلامی و هدف‌های

اسلامی بوده است. کسانی سرکار بیابند که مصداق: «سَنَ الْذِينَ إِنَّ الْذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا» (فصلت، ۳۰) باشند، اهل استقامت، اهل ایستادگی باشند؛ زرهی پولادین از یاد خدا و از توکل به خدا بر تن خودشان بپوشند و وارد میدان شوند» (۱۳۹۲ / ۲ / ۲۵).

ب: طرد سیاست‌های وابستگی

به نظر می‌رسد یکی از مباحث مهم در این حوزه مسئله‌ی درک و طرد درست سیاست‌های پرونگراست و رهبری نیز به این مهم در بیانیه اشاره نموده و از فرمایشات مربوط به سیاست‌های ناظر به حمایت بیرونی و استکباری از دستگاه و افکار عمومی حاصل می‌شود. ایشان در یکی از بیاناتشان در این باره این چنین تحلیل می‌فرمایند: «هدف دشمن معلوم است، او می‌خواهد از نقاط قوت ما صرف نظر کنیم تا بر ما مسلط شود؛ از عناصر اقتدار ملی خودمان دست برداریم تا راحت‌تر بتواند بر کشور ما، بر ملت ما، بر سرنوشت ما و آینده‌ی ما مسلط بشود؛ یک چنین فکری را آن‌ها کرده‌اند» (۱۳۹۷ / ۳ / ۱۴).

مقام معظم رهبری به خوبی پرده از برنامه‌های دشمن و هدف نهایی آن برداشته است؛ اما باین وجود باز هم مشاهده می‌شود که متأسفانه برخی از رجال سیاسی و نقش‌آفرین خواسته یا نخواستہ همسوی با سیاست‌های نظام سلطه داشته و دارند. با توجه به خطر و تهدید جدی این نوع همراهی‌ها و هزینه‌های سنگینی که نظام بابت آن مجبور است که متحمل شود رهبری در دیگر از بیانات خویش به پیامدها و تبعات این نوع همراهی اشاره نموده و می‌فرماید: «هدف آن‌ها این است که کشور را به سمت وابستگی، به سمت ضعف، به سمت عقب‌ماندگی در صحنه‌های گوناگون حرکت دهند یعنی دو تا هدف در مقابل هم قرار دارد: هدف ملت ایران، هدف جبهه‌ی دشمنان.»

(۲۵ / ۲ / ۱۳۹۲)، بعد ایشان راهکار اصلی جهت خنثی‌سازی و رهایی از تحقق اهداف دشمن می‌فرمایند این است که: «ما باید خودمان کارهای خودمان را منظم و مرتب کنیم. کسی را انتخاب کنیم که برای عزت ملی، برای باز کردن گره مشکلات، برای ایستادگی قدرتمندانه و عزتمندانه در مقابل جبهه‌ی معاندان، و برای الگو کردن جمهوری اسلامی در چشم مستضعفان عالم، بیشتر و بهتر تلاش کند.» (۶ / ۳ / ۱۳۹۲).

نتیجه

یافته‌های پژوهش معلوم می‌دارد که مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم، به‌خوبی نقشه‌ی راه رشد و تعالی جمهوری اسلامی ایران را ترسیم نموده و راهبردهای کلان، برای برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری، امید و نشاط‌بخشی، چگونگی استفاده از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های داخلی و خنثی‌سازی تهدیدهای بیرونی و بهره‌گیری از فرصت‌ها و نگاهی به تاریخ گذشته و امکانات حال و دورنمایی آینده را تبیین و تشریح نموده است. بر پایه داده‌های جمع‌آوری شده مشخص شد که برجسته‌ترین مزیت‌های راهبردی که مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم مورد تأکید قرار داده است برگرفته از گزاره‌های سپهر و حیانی و اهتمام به تحقق بخشی طرح و برنامه‌ها و اهداف متعالی پیامبران، به‌خصوص پیامبر اکرم و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) بوده است. بر این اساس مزیت‌های که ایشان در بیانیه گام دوم با استناد به قرآن کریم اشاره نموده‌اند تضمین‌کننده تعالی و تکامل و شکوفایی جمهوری اسلامی ایران در تمام عرصه‌ها (سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، عبادی و...) است. ایشان وقتی مسئله صدور انقلاب را مطرح می‌کنند می‌فرمایند صدور انقلاب به معنای صدور مواد منفجره و ایجاد جنجال و اغتشاش در میان ملت‌ها نیست؛ بلکه به معنای صدور فرهنگ قرآنی و انسان‌ساز و

برداشتن زنجیرهای بسته برپاهای ملت‌های مظلوم توسط نظام‌های استکباری است. وقتی سخن از تقویت راهبرد استقامت می‌گویند مرادشان با استناد به آیات مختلف قرآن کریم پیمان پایی، پایداری بر رسالت جهانی ایمانی و وجدانی و ثبات قدم در انجام مأموریت و ایستادگی و تسلیم‌ناپذیری در برابر دولت‌های متکبر و مستکبر و قدرت‌های انحصارگر جهان است. وقتی به مسئله طراحی سبک زندگی اسلامی تأکید می‌کنند، دغدغه‌شان حفاظت و حراست از کانون مقدس نظام خانواده و سازگاری رفتار مدیران و مسئولان نظام اجتماعی با آموزه‌های دین اسلام است. تأکید به این مسئله در دنیای پرتلاطم امروز که در بسیاری از جوامع نهاد خانواده متلاشی و سبک زندگی الحادی و مادی پرستی گسترش پیدا کرده است می‌تواند تعیین و ترسیم‌کننده نقشه راه حیاتی طیف در زندگی فردی و اجتماعی باشد. همچنین وقتی ظرفیت‌های الگوی مردم‌سالاری دینی را با بهره‌گیری از کلام وحی تشریح می‌فرمایند مرادشان این است که مردم‌سالاری دینی مربوط به چگونگی حکومت‌داری و مدیریت جامعه در سطح کلان با التزام و پیروی از قوانین شریعت اسلام است. از این رو در منظومه فکری رهبری، نظام فردی دیکتاتوری، نظام شاهنشاهی، نظام حزبی، نظام مردم‌سالاری منفصل از دین و منقطع از وحی هیچ جایگاهی ندارد. افزون بر این راهبردهای مزیتی یادشده مسئله حاکم‌سازی سیاست‌های تحقق‌بخش اهداف کلان انقلاب و طرد سیاست‌های وابستگی از دیگر تأکیدات و تأییدات ایشان در بیانیه گام دوم با هدف ایجاد روحیه خودباوری و عزتمندی در پرتو قدرت ایمان و الگو نشان دادن نظام جمهوری اسلامی ایران در چشم مستضعفان برای ایستادگی در برابر زیاده‌خواهی‌های معاندان و مستکبران جهان است.

منابع:

- قرآن کریم، ۱۴۱۵، ترجمه، محمد مهدی فولادوند
- نهج البلاغه، ۱۳۸۷، ترجمه‌ی محمد دشتی، قم، بوستان کتاب.
۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴، تحف العقول، جامعه مدرسین.
 ۲. میری، محمد، ۱۳۹۶، مدیریت راهبردی حضرت یوسف و حضرت موسی (ع) در قرآن، پایان‌نامه‌ی ارش، قم، المصطفی، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی (راهنما عباس شفیعی).
 ۳. بیانات رهبری، ۱۳۶۸ / ۴ / ۲۲؛ مراسم چهلمین روز ارتحال امام خمینی.
 ۴. بیانات رهبری، ۱۳۶۸ / ۴ / ۱۹؛ دیدار اقشار مختلف مردم.
 ۵. بیانات رهبری، ۱۳۷۹ / ۶ / ۳۰، دیدار با بانوان.
 ۶. بیانات رهبری، ۱ / ۱ / ۱۳۹۲، حرم مطهر رضوی.
 ۷. بیانات رهبری، ۲ / ۷ / ۱۳۹۲، دیدار کارگران و فعالان بخش تولید کشور.
 ۸. بیانات رهبری، ۲ / ۱۶ / ۱۳۹۲، دیدار دست‌اندرکاران برگزاری انتخابات.
 ۹. بیانات رهبری، ۲ / ۲۵ / ۱۳۹۲، دیدار اقشار مختلف مردم.
 ۱۰. بیانات رهبری، ۳ / ۶ / ۱۳۹۲، دانشگاه امام حسین علیه‌السلام.
 ۱۱. بیانات رهبری، ۹ / ۶ / ۱۳۹۳، دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین.
 ۱۲. بیانات رهبری، ۸ / ۳ / ۱۳۸۹، دیدار با طلاب غیر ایرانی در قم.

۱۳. پایگاه اینترنتی Khamenei.ir

۱۴. پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۶۳، نهج الفصاحه، تهران، دنیای دانش.

۱۵. پیرس، جان‌ای، ریچارد بی رابینسون، ۱۳۸۳، مدیریت راهبردی، ترجمه محمود حسینی، تهران، دانشگاه شاهد.

۱۶. پیرس، جان‌ای و ریچارد بی رابینسون، ۱۳۸۹، مدیریت راهبردی، ترجمه سید محمود حسینی تهران؛ سازمان سمت.

۱۷. دیوید، فرد آر، ۱۳۹۰، مدیریت استراتژیک، ترجمه علی پارسائیان و سید محمد اعرابی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

۱۸. حسن بیگی، ابراهیم، ۱۳۹۰، مدیریت راهبردی، تهران، سازمان سمت.

۱۹. شهبازی، عبدالله (۱۳۴۹). ظهور و سقوط پهلوی، تهران، اطلاعات و مؤسسه مطالعات سیاسی.

۲۰. نادری، مهدی و شهره پیرانی، ۱۳۹۹، راهبردهای پیشرو در پسا چهل سالگی انقلاب اسلامی، دو فصلنامه علمی دانش سیاسی، سال ۱۶، پیاپی ۳۱، ش ۱ سال ۱۳۹۹ صفحات ۳۰۵ - ۳۲۸.

۲۱. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو.

۲۲. طوسی، محمد بن حسن، بی‌تا، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۲۳. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷، تفسیر المیزان، جامعه مدرسین.

۲۴. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۲۵. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۶. میرباقری، سید محمد مهدی، ۱۳۹۸، عصر جدید (خوانشی از مفاهیم و راهبردهای بیانیه گام دوم)، قم، فرهنگستان علوم اسلامی، چاپ پنجم.
۲۷. مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۹۳، نقش و رسالت زن (برگرفته از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای)، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.
۲۸. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۲، تئوری‌های انقلاب اسلامی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۹. عیوضی، محمدرحیم، هراتی، محمدجواد (۱۳۹۴). تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، تهران، فروزش.
۳۰. غفاریان، وفا، مرتضی عماد زاده، ۱۳۸۵، معانی نوظهور در مفهوم استراتژی، تهران، سازمان مدیریت صنعتی.